

معرفت شناسے

در باب شک، شناخت و آکاهی

نویسنده: ابرت مارتین

مترجم: دکتر رحیم کوشش

(۲۰۰۷ء)

فهرست

.....	مقد	۵
.....	فصل اول: تعریف «معرفت» / «شناخت»	۹
.....	مفهوم داه	۹
.....	دانستن	۱۳
.....	دانستن و حقیقت	۱۵
.....	دانستن و باور داشتن	۱۷
.....	فصل دوم: قدرت باور و گواهی	۲۱
.....	قدرت باور	۲۱
.....	آیا باور مستحکم لازم است؟	۲۳
.....	توجیه	۲۴
.....	دانستن تزلزل ناپذیر	۲۷
.....	تردید ناپذیری و تصحیح ناپذیری بدون مصونیت از خطا	۳۱
.....	فصل سوم: توجیه و مسائل گتیه	۳۵
.....	مثال گتیه	۳۶
.....	جواب آیر به گتیه	۳۸
.....	ادعای غیر کذب	۴۱
.....	مسائل مربوط به ادعای غیر کذب	۴۲
.....	ادعای ابطال ناپذیر	۴۶

مسائل مربوط به ادعای ابطال ناپذیر ۴۸

چه چیزی در راه است؟ ۵۰

فصل چهارم: درون گرایی، برون گرایی و توجیه ۵۱

درون گرایی تحصلی بدون آگاهی واقعی ۵۶

تبیین وظیفه گرایانه توجیه ۵۹

سوالاتی در باب وظیفه شناسی معرفت شناختی ۶۱

پیوند بیرونی ۶۷

نظریات گرا ۷۱

ماتریل مرتبط به نظریه علت گرا ۷۳

ثقه گری ۷۶

فصل پنجم: بنیادگرایی و انسجام گرایی ۸۳

بنیادگرایی - رویکردی بازپرس گرایانه ۸۳

باورهای مقبول، اما حمایت نشده ۸۸

بنیادگرایی معتدل ۹۰

انسجام گرایی ۹۱

نقدهای مربوط به انسجام گرایی ۹۵

فصل ششم: معرفت پیشینی، تحلیلی بودن و ضرورت ۱۰۳

پیشینی - پسینی ۱۰۳

عقل گرایی ۱۰۴

معرفت شناسی امور پیشینی ۱۰۶

تجربه گرایی و دانش پیشینی ۱۰۸

ضرورت ۱۱۱

معرفت شناسی کانت و پیشینی بودن ۱۱۳

قضیه تألیفی پیشینی ۱۱۷

تجربه گرایی بعد از کانت ۱۲۰

۱۲۳	تجربه‌گرایان و دانش پیشینی
۱۲۶	کوانین و تمایزهای تحلیلی و ترکیب
۱۲۹	دوباره ضرورت
۱۳۲	معرفت‌شناسی سنتی، معرفت‌شناسی تصحیح‌گرا و ضرورت
۱۳۴	جهان‌های ممکن

۱۳۷	فصل هفتم: معرفت مبتنی بر تجربه حسی
۱۳۸	تجربه‌گرایی در باب مفاهیم
۱۴۱	تجربه‌گرایی و مفاهیم کلی
۱۴۴	تجربه‌گرایان در موضوع خدا
۱۴۶	تجربه‌گرایان، درک و حکم
۱۴۷	واقع‌گرایی ساده‌گرا و استدلال مبتنی بر خطای حسی
۱۵۰	بحث‌های بیشتر در مورد دانش حسی
۱۵۱	مسائل مربوط به داده حسی
۱۵۴	نظریه قیدی

۱۵۹	فصل هشتم: شک‌گرایی
۱۶۱	تجربه‌گرایان و اصل علیت
۱۶۳	مسئله استقرا
۱۶۸	مشکل وجود جهان بیرون
۱۶۹	جایگزین‌هایی برای این فرض واقع‌گرایانه
۱۷۰	تلاش‌هایی برای ابطال نظریه‌های غیرواقع‌گرا
۱۷۸	نفس‌گرایی
۱۷۸	پدیدارگرایی
۱۸۱	آیا برون‌گرایی در این مورد کمکی می‌کند؟
۱۸۲	چه چیز در پیش داریم؟

فصل نهم: رویکردهای جدید به معرفت‌شناسی	۱۸۳
معرفت‌شناسی طبیعت‌گرایانه	۱۸۳
نظریه‌های برون‌گرای طبیعت‌گرا	۱۸۴
معرفت‌شناسی طبیعت‌گرایانه کواین	۱۸۵
آیا معرفت‌شناسی طبیعت‌گرا می‌تواند به‌هنگار باشد؟	۱۸۷
کواین و دایره‌وار بودن نظریه او	۱۸۹
تکامل و کارکرد فرایندهای آگاهی	۱۹۰
معرفت‌شناسی به‌منزله جامعه‌شناسی	۱۹۳
معرفت‌شناسی زن‌محور	۱۹۷
در پایان	۲۰۱
برای مطالعه بیشتر	۲۰۳
منابع مربوط به فصل‌های این کتاب	۲۰۹
نمایه	۲۱۹

مقدمه

هرکسی چیزهایی می‌داند از چیزهایی آگاه است و به چیزهایی معرفت دارد. اما منظور از «دانستن» «آگاهی» و «معرفت»، دقیقاً چیست؟ زمانی که یک «باور» / «اعتقاد»، آگاهانه و مبتنی بر معرفت محسوب نمی‌شود، چه چیزی از دست می‌رود؟ آگاهی و معرفت از کجا حاصل می‌شود؟ چرا منابع معرفتی بعضی از باورها و اعتقادات، قابل اعتماد به شما می‌آیند؟ آیا در این مورد، واقعاً منابع قابل اعتمادی وجود دارند؟ حتی اگر آگاهی‌های معمول و روزمره را نیز در نظر داشته باشیم، باز با تعجب به این نتیجه خواهیم رسید که حقیقتاً پاسخ این سؤالات، روشن نیست. حداقل دو هزار سال است که فیلسوفان در باب این سؤالات فکر می‌کنند و در این که پاسخ درست آنها چیست، یکدیگر را به بحث می‌پردازند. ما در این کتاب به مهم‌ترین و جالب توجه‌ترین مطالب که آنها در این مورد گفته‌اند، نظری خواهیم افکند.

آنچه در فلسفه، تا اندازه‌ای غیرعادی به نظر می‌رسد، این است که در تمام موضوعات مربوط به آن، همه چیز از همان ابتدا با مباحثه آغاز می‌شود. این ویژگی، فلسفه را از دیگر مقوله‌ها متمایز می‌سازد. فلسفه، کار خود را با واقعیت‌های پایه و مقدماتی و با شیوه‌هایی آغاز می‌کند که در مورد آنها همه با یکدیگر موافق‌اند و به این علت، از کسانی که به‌تازگی در این وادی گام

نهاده‌اند، انتظار می‌رود بی آن که اعتراضی بکنند یا سؤالی بپرسند، بپذیرند و بیاموزند. شما که این کتاب را می‌خوانید، نباید انتظار داشته باشید که در آن، اصول اولیه‌ای را بیاموزید که تمام مردم جهان آنها را می‌پذیرند. در فلسفه هرگز با چنین چیزی روبه‌رو نخواهید شد. آنچه در این کتاب خواهید دید، مجموعه‌ای است از سؤالاتی که فیلسوفان مختلف، پاسخ‌های متعدد و متفاوتی به هر یک از آنها داده‌اند. بعضی از خوانندگانی که با چنین چیزهایی آشنا نیستند، کنجکاو خواهند شد که در میان پاسخ‌های گوناگون، موردی را بیابند که احساس می‌کنند نویسنده می‌خواهد خواننده آن را بپذیرد. دستیابی به چنین پاسخی، ممکن نخواهد بود. نویسنده این کتاب، نشان کرده است تا آنجا که ممکن است، دیدگاه‌های خود را پوشیده و پنهان نگه دارد. شما نخواهید توانست آنچه را که او خود بیشتر می‌پذیرد، بیابید و در حقیقت، بیرون نظر نمی‌رسد که لازم باشد شما چنین تلاشی داشته باشید. چه کسی اهمیت می‌دهد به این که من در این موارد چه فکر می‌کنم. گذشته از این، خود شما نیز، سورتی که بخواهید با تلاش به این پی ببرید که کدام پاسخ درست است و کدام پاسخ نادرست، با ناکامی مواجه خواهید شد. این رویکرد ممکن است موجب خستگی و ناامیدی شما شود. در عین حال، اگر خودتان هم تسلیم شوید و خود را از پرسش پاسخ درست ناتوان بدانید، بیشترین بخش از بهره‌ای را که می‌توانید از آنچه این خردوفان می‌گویند، ببرید، از دست خواهید داد.

بهترین کاری که در خواندن این اثر می‌توانید انجام دهید، آن است که سعی کنید همه دیدگاه‌ها را بررسی و ارزیابی کنید تا در نهایت به این نتیجه برسید که کدامیک از آنها درست و کدامیک نادرست‌اند. این تنها یک واکنش ساده درونی نیست. هر دیدگاهی که ارائه می‌شود، با استدلال‌هایی همراه خواهد بود که خود محاسن و معایبی دارند و شما باید بیشتر به این نکته توجه داشته باشید که کدامیک از آنها متقاعدکننده‌ترند. حتی ممکن است خودتان هم بتوانید استدلال‌هایی از خودتان به آنها اضافه کنید.

به این ترتیب، در صورتی که یکی از این استدلال‌ها بتواند به اندازه کافی شما را قانع کند، به فهم عمیق‌تری از موضوع دست می‌یابید. خواندن آنچه فیلسوفان در دیگر کتاب‌ها و مجلات فلسفی در باب این موضوعات نوشته‌اند، هرگز این اندازه تأثیرگذار نخواهد بود. در پایان این کتاب، بخشی خواهید دید که می‌خواهد آثاری را که برخی از این دیدگاه‌ها و نقل قول‌ها از آنها انتخاب و نقل شده‌اند، به شما نشان بدهد. در ضمن، این بخش آثار دیگری را نیز به شما معرفی خواهد کرد که رانها می‌توانید در باب موضوع مورد بحث، مطالب بیشتری بخوانید.

به عبارت دیگر، این کتاب مطالبی مبنایی و مقدماتی در اختیار شما قرار خواهد داد که در آثار تخصصی به راحتی نمی‌توانید به آنها دست بیابید. شما می‌توانید مطالعات بحث‌های فلسفی خود را در این زمینه از همین کتاب آغاز کنید. بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های مختلف، تلاش برای پاسخ دادن به سؤالات، با رویکردی انتقادی به تفکر پرداختن و خلاقیت به کار بستن، از همین آغاز می‌تواند تجربه‌ای خوشایند و خشنودکننده را به شما باشد.

عنوان رسمی بخش مربوط به مطالعه «معرفت» «شناخت» و «آگاهی» در فلسفه، «معرفت‌شناسی» یا «شناخت‌شناسی» است. معرفت‌شناسی از (episteme) به معنی هر چیزی است که به مطالعه معرفت مربوط می‌شود. خود واژه (episteme) به معنی هر چیزی است که به معرفت مربوط می‌گردد. این دو مورد، نمونه‌ای از اصطلاحات فلسفی هستند که در ادامه کتاب از آنها استفاده خواهیم کرد.
